

رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی

لطیفه خلیلی^۱، فاطمه کاظمیه*^۲، حسین یادآور^۳

۱- کارشناس ارشد گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز، la.khalili.۱۴۰۰@gmail.com

۲- استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز، kazemiyeh@tabrizu.ac.ir

۳- استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز، hosseinyadavar@gmail.com

چکیده

حکمروایی خوب مفهومی است که در دهه‌های اخیر در ادبیات مدیریت جهان نمایان شده و به عنوان مرز بین حکومت و جامعه مدنی مطرح است. سال ۲۰۰۰ رهبران کشورهای جهان طی قطعنامه‌ای، حکمروایی خوب را به عنوان راهبردی برای کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی مورد پذیرش قرار دادند تا رویکردی نوین برای مقابله با پدیده فقر ارائه کنند. حکمروایی خوب با دارا بودن شاخص‌هایی چون مشارکت مردمی ساکنین روستایی، پاسخگویی، شفافیت، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری و اجتماع‌گرایی، عدالت و برابری دست‌یافتنی است. مطالعه حاضر به منظور بهره‌مندی مناطق روستایی از مزایای حکمروایی خوب و کاهش اثرات منفی آن به ضرورت تجدید ساختار در نظام حکمروایی در عصر جهانی شدن تأکید دارد. در این مطالعه به بررسی حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستا پرداخته شده است. روش تحقیق مطالعه حاضر کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد. رهییافت حکمروایی خوب روستایی، رهییافت مدیریتی مبتنی بر جامعه محلی است که بر توانمندی جامعه محلی و نقش مستقیم و فعال آن‌ها در فرآیند توسعه پایدار با همکاری بخش دولتی و سازمان‌های غیر دولتی تأکید دارد، تحقیقات صاحب‌نظران و متخصصان توسعه روستایی طی چند دهه اخیر، این نکته را تأیید کرده است که حکمروایی خوب روستایی به عنوان اثر بخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت روستایی بوده که محوریت این رهییافت در مدیریت روستایی بر مبنای توسعه مردم سالار و برابر خواهانه برای تأثیرگذاری تمامی نیروهای دارای نفع و نفوذ در اداره امور روستاها و هم‌چنین پاسخگویی به تمام نیازهای این گروه‌ها است. آنچه در حکمروایی خوب روستایی مورد تأکید می‌باشد توجه به نیازها و خواسته‌های تمامی گروه‌های ذینفع روستایی است. به همین دلیل، زمانی حکمروایی خوب روستایی می‌تواند به سطح قابل قبولی از توسعه پایدار و تبدیل سرمایه‌های انسانی به سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه لازم برای فرایند توسعه مشارکت‌پذیر در محیط برسد که در توسعه توانمندی مردم روستایی سرمایه-گذاری کافی کرده باشد. چه این که بسط قابلیت‌های انسانی مردم سالار (حکمروایی خوب روستایی) را فراهم آورده و بر فرایندهای اجتماعی، بیش از فرآورده‌های اقتصادی تأکید نماید.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، حکمروایی خوب، فقر، مدیریت روستا، مشارکت

مقدمه و بیان مساله

روستاها می‌توانند موجب سازگاری و اجماع بین منافع گوناگون و توسعه صنعت در مناطق روستایی و در نهایت توسعه پایدار^۱ شوند. حکمروایی خوب^۲ الگوی جدیدی برای توسعه پایدار انسانی با سازوکار تعاملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه‌ی توانمندی‌های خود در توسعه همه جانبه استفاده کنند. جامعه مدنی مستحکم به همراه دولتی مدرن، قوی و توسعه خواه، می‌تواند زمینه‌های ایجاد حکمروایی خوب و در نتیجه توسعه همه جانبه را با کمترین زمان و آسیب ممکن به پیش ببرد (لطیفی‌ینگچه، ۱۳۹۴). برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمروایی خوب را این گونه تعریف نموده است: حکمروایی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی و اداری (لطیفی‌ینگچه، ۱۳۹۴). کافمن^۳ و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمرانی، شش شاخص؛ حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند که در این پژوهش نیز استفاده شده و اعتقاد بر این است که هر قدر در یک کشور دولت پاسخگوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود که حکمرانی خوب برقرار است (صمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). اصطلاح «حکروایی» و «حکروایی خوب» به نحو گسترده‌ای در ادبیات توسعه رواج پیدا کرده و حکمروایی بد به عنوان یکی از علل اساسی ناکامی جوامع امروزی در دستیابی به توسعه معرفی شده است. این در حالی است که نهادهای بین‌المللی و کمک‌کنندگان جهانی نیز، وام‌ها و کمک‌های مالی خود را معطوف به شرایطی کرده‌اند که متضمن اجرای مؤلفه‌های حکمرانی خوب است (ظاهری و همکاران، ۱۴۰۰). موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه پایدار، مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود که همه این‌ها با حکمروایی خوب امکان تحقق می‌یابد (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱). مکان‌های روستایی و به خصوص فضاهای پیراشهری به دلایل چالش‌هایی مانند فقر گسترده، نابرابری در توزیع امکانات، برخوردار نبودن از حداقل شرایط زندگی مانند، دسترسی نداشتن به آب بهداشتی سالم و فاضلاب، کمبود جاده مناسب، تراکم بالای جمعیت، کمبود فضاهای آموزشی باید مورد توجه بیش از پیش مسئولان و برنامه‌ریزان قرار گیرد. مضاف بر این به دلیل شرایط خاص زندگی در محیط‌های روستایی، وابستگی امنیت غذایی مردم کشور به روستا و محل تولید محصولات استراتژیک از مهمترین توجهات برنامه‌ریزان توسعه، بهبود کیفیت زندگی

^۱ Sustainable Development

^۲ Good Governance

^۳ Kaufman

افراد ساکن روستا بوده، به طوری که هدف تمامی برنامه‌ریزان ملی و بین‌المللی توسعه، بهبود معیشت خانوار، افزایش کیفیت زندگی روستائیان است و این یکی از کاربردهای الگوی حکمروایی خوب است که با فرآورده‌هایی که دارد می‌تواند مؤثر باشد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۹). لذا با توجه به اینکه توسعه روستایی راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستائیان فقیر است؛ بنابراین اهداف توسعه روستایی باید گسترش یابد، این اهداف بهبود وضع تولید، افزایش اشتغال و تأمین حداقل قابل قبولی از غذا، مسکن، آموزش و بهداشت و رفاه را شامل می‌شود. حال باید این چنین عنوان کرد که در دیدگاه حکمروایی تصمیم‌گیری بر اساس نیازهای ذینفعان محلی و تقسیم قدرت و انتقال اطلاعات و از پایین به بالا است. در این بین باید گفت که ظرفیت سازی برای زمامداری درست و مطلوب، ابزار اولیه ریشه‌کنی فقر و بهره‌مند شدن عادلانه و همه اقشار مردم از مواهب زندگی و مشارکت در تمامی امور زندگی است و این امر با حکمروایی خوب امکان‌پذیر است؛ به عبارت دیگر حکمروایی خوب به مردم اجازه می‌دهد سطح بالاتری از چیز دیگری که دارند، به دست آورند و به طور مستقیم این امر برای رفاه آنها مهم است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۹). توسعه پایدار، توسعه‌ای است که به نسل‌های آینده اجازه می‌دهد تا حداقل در سطح رفاه نسل کنونی زندگی کنند. بنابراین برای پایداری توسعه، رفاه اقتصادی، توسعه اجتماعی و پایداری محیط زیست، هر سه به طور توأمان باید خطاب توجه قرار گیرند و نادیده گرفتن هر یک از این سه رکن می‌تواند دو رکن دیگر را به زوال بکشاند (عبدی، ۱۳۹۴). در حکمرانی خوب، بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، که سبب می‌شود از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری شود. ارتباط صحیح موجود بین سه رکن فوق زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف می‌سازد. توسعه پایدار چهار بعد اساسی دارد که تحقق آن منوط به همکاری نزدیک دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی است. این چهار بعد عبارتند از: حمایت محیطی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه نهادی بر اساس این چهار بعد رویکرد در مدیریت توسعه پایدار قابل تفکیک است: رویکرد اقتصادی، رویکرد محیطی، رویکرد اجتماعی و رویکرد نهادی.

تحقق هدف‌های توسعه پایدار مستلزم مدیریت رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی است. حکمرانی خوب و توسعه پایدار دو جنبه کلیدی مشترک دارند: نخست اینکه هدف هر دو گسترش مشارکت عمومی است. هر دو محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن دولت‌ها، سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد بتوانند در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه، مشارکت فعال داشته باشند. دوم اینکه هر دو هم‌فرایندگرا و هم‌نتیجه‌گرا هستند. دستیابی به حکمرانی خوب و پایداری مستلزم وجود نظام برنامه‌ریزی و نظارت مستمر است در هر حال توافق جهانی بر این است که حکمرانی خوب با به کارگیری قوانین مشخصی موجب توسعه پایدار شود امروزه حکمرانی خوب یا اداره مناسب امور حکومتی به‌عنوان یک مقوله پذیرفته شده در بحث توسعه پایدار مطرح می‌شود و نیاز به همکاری دولت با بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مردم در جهت توسعه کشور دارد بنابراین نیل به توسعه پایدار متضمن تغییر شکل شیوه اداره کشور، برنامه‌ریزی و اجرای آن و دستیابی به حکمرانی خوب است (صدیقی، ۱۳۹۲). از منظری دیگر رابطه توسعه پایدار و حکمرانی خوب را می‌توان به این شکل ترسیم نمود: توسعه پایدار فرایندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جامعه را هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست‌ها و انجام دادن اقدامات لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌کند و هر جایی که تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه مبادله بین آنها و بررسی و هماهنگی این مبادله‌ها می‌پردازد. بر این اساس در توسعه پایدار سه دسته هدف و بر

مبنای آنها سه محیط و سه بعد اصلی وجود دارد که عبارتند از: محیط‌های اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (همان منبع). در غالب مستندات، توسعه پایدار بر مبنای همین اهداف (اهداف زیست‌محیطی، اهداف اقتصادی، اهداف اجتماعی) تعریف و ترسیم شده است. اما ایجاد تعادل و تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی مستلزم داشتن چشم‌انداز بلندمدت‌تر و بررسی و تعیین تأثیرات تصمیم‌گیری و تصمیمات فعلی روی نسل‌های آینده، وضع قوانین، مقررات و سیاست‌ها است و بررسی تعیین تأثیرات تغییرات آن‌ها در بخش‌های مختلف و تضمین همبستگی بین آن‌ها در بخش‌های مختلف و تضمین محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی از طریق وضع سیاست‌ها، عقد قراردادهای و پیوستن به پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها و بالاخره ترتیبات نهادی و مدیریتی و ... امکان‌پذیر است و این خود محیط و بعد اصلی بعدی را مشخص می‌کند که همان محیط سیاسی و بعد سیاسی است. به همین دلیل برای توسعه پایدار چهار محیط و چهار بعد ترسیم شده است. دستیابی به این مقوله‌ها و ایجاد ساختارهای هدایتی و حمایتی و تثبیت آنها مستلزم وضع اهداف خاص سیاسی است. به همین دلیل است که امروزه حکمرانی خوب یا اداره مناسب امور حکومتی به عنوان یک مقوله پذیرفته شده در بحث توسعه پایدار مطرح می‌شود و نیاز به همکاری دولت با بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مردم در جهت توسعه کشور دارد. توانایی رسیدن به وفاق به عواملی مثل امنیت، توافق‌های نهادی، ساختارهای مشارکتی و توزیع قدرت و نیز اختیارات و مسئولیت‌ها بستگی دارد. بنابراین نیل به توسعه پایدار متضمن تغییر شکل شیوه اداره کشور، برنامه‌ریزی و اجرای آن و دستیابی به حکمرانی خوب است (صدیقی، ۱۳۹۲). در کشور ما به دلیل نبود الگوی حکمروایی خوب روستایی اکثر برنامه‌ها از بالا به پائین انجام می‌شود و این امر باعث شده تا برنامه‌ها و طرح‌ها در آینده پیامدهای چندانی مطلوبی نداشته باشند، در واقع، رویکرد غالب مسئولان بدون مشارکت و دخالت مردمی است که اقدام به برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها را می‌کنند، طبیعی است زمانی که مشارکت مردمی در امور مربوط به روستا در حد کم باشد، احساس مسئولیت نیز کمتر خواهد بود، این امر (یکسویه بودن فرایند برنامه‌ریزی) باعث عدم اجرای عدالت، قانون‌مداری، شفاف بودن (در نتیجه عدم نظارت)، فراگیری و ... شده و در نتیجه، مسئولان خود را در قبال مردم پاسخگو نمی‌دانند و تمامی این عوامل، توسعه پایدار را به چالش می‌کشد بنابراین، حرکت از مدیریت سنتی (کلاسیک) به حکمروایی، یک انتخاب گریز ناپذیر است و با این نگاه است که حکمروایی به چالش امروز در مراکز علمی تبدیل شده که شناخت این چالش در ایران و یافتن الگوی مناسب حکمروایی در روستاهای ایران می‌تواند با فرایند پژوهش علمی پاسخ لازم را به چالش علمی بدهد (عظیمی-املی و همکاران، ۱۳۹۰).

مواد و روش‌ها

از آنجا که هدف این مطالعه بررسی حکمروایی خوب و توسعه پایدار در روستاها می‌باشد از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در این مطالعه استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

شاکری (۱۳۹۳) در مطالعه، تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه، به روش وصفی تحلیلی به این نتیجه دست یافت که امام علی در مقام نظر به حکمرانی خوب باور داشته و در مقام عمل می‌کوشید که آن را در جامعه حاکم کند. به باور وی حکومتی مصداق حکمرانی خوب است که بر ضوابط عقلی، شرعی و مقبول در نزد مردم مبتنی باشد.

سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان: نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب دهستان بهمنی سرحد غربی، نشان دادند: بین حکمروایی خوب روستایی و توسعه کالبدی رابطه مستقیم و شدید وجود دارد و با پایین بودن سطح مدیریت محلی و حکمروایی خوب روستایی سطح توسعه کالبدی نیز پایین خواهد بود.

شریف‌زادگان و قانونی (۱۳۹۶) در پژوهشی به تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی شهرها، رفاه اجتماعی پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد، تصمیم‌گیران و مسئولان ملی و محلی اگر خواستار بهبود کیفیت زندگی شهروندان هستند، یکی از اقدامات مناسب برای دستیابی به این هدف، افزایش کیفیت حکمروایی در کشورها و شهرهاست.

سلطانی‌نژاد و گودرزی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان: فرایند اطلاعات و تحول در مفهوم حکمروایی خوب دریافتند بین فناوری اطلاعات و ارتباطات و حکمروایی خوب از منظر تقویت مؤلفه‌های شفافیت، اثربخشی و کارایی و مشارکت‌جویی رابطه وجود دارد.

زیاری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان: سنجش و ارزیابی اثرات حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهرها در شهر بوشهر به این نتیجه رسیدند که بین حکمروایی خوب و زیست‌پذیری رابطه ضعیف تا متوسطی وجود دارد.

مطالعات خارجی

پلامتر و گراهام^۱ (۱۹۹۹) مطالعه‌ای تحت عنوان: حکمروایی و حکمروایی خوب: چشم‌اندازهای بین‌المللی و محلی انجام دادند. این مطالعه به تعریف حکمروایی و تفاوت آن با حکومت و دلایل اهمیت این تفاوت پرداخته و توضیح می‌دهد که چرا الگوی حکمرانی توجه زیادی را به خود جلب نموده و چرا این الگوی حکمرانی برای بسیاری از سیاستمداران در مفهوم بومی و غیر بومی حائز اهمیت است. نویسندگان بر این باورند که "حکمرانی" ذهن را به سوی مسئولیت‌پذیری نسبی گروه‌ها در جوامع باز می‌کند و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری را سر لوحه اعمال خود قرار می‌دهد، نویسندگان در ادامه ویژگی‌های جوامع بومی را در متغیرهایی نظیر یکپارچگی همراه با تنوع، فرهنگ مشارکتی، احترام، اجماع و توافق عمومی، ارتباطات قوی خلاصه می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان داد حکومت خوب حکومتی است که مسائل عمومی را برای بحث و تبادل نظر در

^۱ Plumtre and Graham

اختیار مردم بگذرد. مشارکت مردم در بهبود سازماندهی حکمروایی محلی و فعالیت‌ها و نقش سازمان‌هایی مردم محور در روند تحقق تشکیل حکمروایی محلی در مقیاس‌های محلی یا کشوری یا بین‌المللی به حکمروایی خوب می‌انجامد.

بارکین^۱ (۲۰۰۰) حکمروایی محلی یک مدلی از مدیریت پایدار منابع روستایی برای جهان سوم را مورد مطالعه قرار داده و ضمن بیان پاره‌ای از رویکردهای سنتی و نوین در خصوص توسعه روستایی به علل و دلایل اصلی فقر روستایی نظیر سیاست‌های تبعیض‌آمیز بخش‌های کلان اقتصادی، سیستم‌های دسترسی نامناسب و غیر عادلانه مالکیت زمین، گرایش‌های ضد کشاورزی در نهادهای توسعه، توزیع نابرابر درآمد و قدرت سیاسی سیاست‌های نامناسب اشتغال و ... اشاره می‌کند در ادامه به اصول پایداری اشاره کرده و آن را زمینه‌ساز رعایت عدالت اجتماعی در جامعه و بالا رفتن کیفیت زندگی مردم می‌داند. در این مطالعه بر گفت و گوی فعال میان دانشمندان، متخصصین و صاحب‌نظران توسعه در جهت توسعه پایدار روستایی از طریق چگونگی ساماندهی استفاده از منابع طبیعی تاکید شده است.

کام سوسان^۲ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان: تغییر پارادیم حکمروایی روستایی برای توسعه پایدار (موقعیت و نقش GIS) معتقد به این امر می‌باشد که حکمروایی خوب روستایی باید بتواند خدماتی از قبیل اطلاعات زمان‌بندی بازار را برای تولیدکنندگان و ... ارائه دهد و به این نتیجه می‌رسد که یکی از وظایف حکومت‌ها، توانمندسازی اجتماعی فقرا و ... می‌باشد.

مینوگو^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان: پیوندهای نظارتی حکمروایی و فقر، در پی یافتن ارتباط بین حکمروایی و کاهش فقر در چارچوب مفروضات غالب اقتصادی در زمینه روابط بین رقابت، مقررات، رشد اقتصادی و فقر بوده است. نتیجه مطالعه بیان می‌دارد که صرف تغییرات اقتصادی نمی‌تواند تمامی زمینه‌های کاهش فقر را پوشش دهد بلکه نیازمند اصلاح ساختارهای سیاسی نیز می‌باشد.

شیم و اوم^۴ (۲۰۱۳)، در مطالعات خود تحت دریافتند با گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات حکمروایی تأثیر می‌پذیرد؛ به این دلیل که با دسترسی به اطلاعات در عرصه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کیفیت حکمروایی ارتقا می‌یابد و روند توسعه سریع می‌شود؛ برای نمونه در کشورهایی که مردم از اخبار روز و وقایع زندگی روزمره به واسطه رسانه‌های ارتباطی آگاه می‌شوند، طبیعتاً در جریان امور قرار می‌گیرند و در روند تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها مشارکت بیشتری از خود نشان می‌دهند و وقایع را با تأثیر گذاشتن بر عواملان و کارگزاران توسعه به سود خود پیش می‌برند

یامر^۵ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان چالش‌ها و چشم‌اندازهای سیاست‌گذاری در اتیوپی بیان می‌دارد اجرای یک طرح حکمروایی مطلوب در اتیوپی و مدلی که در آن حقوق همه ذینفعان رعایت گردد، و یک حس همکاری مشارکتی ایجاد نماید،

^۱ Barkin

^۲ Kam Susan

^۳ Minogue

^۴ Shim and Eom

^۵ Yamur

باید با ایجاد شبکه‌های همکاری مستمر و خوب با کلیه دست‌اندرکاران را فراهم آورده و بهبود فضای رقابتی در مقاصد گردشگری کشورهای منطقه آفریقا کمک نماید.

تعاریف مفهومی

حکروایی

واژه «حکروایی» یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه نظریه‌ها و روش‌های اداره سطوح مختلف جامعه تبدیل شده و اغلب از واژه «حکومت»^۱ متمایز می‌شود. حکروایی، به مفهوم فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای آن، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرآیندها و نهادها را در برمی‌گیرد که از طریق آن‌ها مدیریت توسعه جامعه، به طور رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد. حکروایی، هم با مسئولیت حکومت و هم با تعهد شهروندان ارتباط دارد و از این رو، دولت و سایر ارکان جامعه را در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی را شامل می‌شود (رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۴). معنای ساده حکمرانی تصمیم‌گیری و فرآیندی است که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند و از آنجایی که حکمرانی فرآیند تصمیم‌گیری و فرآیند اجرای تصمیمات است، تحلیل حکمرانی روی بازیگران رسمی و غیررسمی در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و ساختارهای رسمی و غیر رسمی، که برای دستیابی به هدف‌ها و اجرای تصمیمات در یک مکان بوجود می‌آیند متمرکز می‌شود تحقق حکمرانی خوب در یک نظام، سازمان، شرکت و یا شهر و منطقه مسیر توسعه آن را هموار می‌گرداند (دانشی، ۱۳۹۴). بانک جهانی حکروایی را روشی برای اعمال قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن به منظور رسیدن به توسعه تعریف می‌کند و یا آن را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آن‌ها قدرت مطلوب جامعه تعریف می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۲). مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد، حکروایی را بدین صورت تعریف می‌کند: حکروایی مجموعه اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (آن‌هیتات^۲ ۲۰۰۶).

اصطلاحات حکروایی و حکومت، دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضاً فارغ از مفهوم، معمولاً جایگزین یکدیگر به کار می‌روند. اما قدمت حکروایی به تاریخ تمدن بشری برمی‌گردد. در واقع می‌توان گفت واژه حکروایی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم در حوزه اجرا دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۱).

^۱Government

^۲Un-Hbitat

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب برای بانک جهانی مترادف با مدیریت سالم توسعه^۱ است. از نظر برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)^۲ (۱۹۹۷) پیامد حکمرانی خوب، توسعه‌ای است که اولویت را به رفع فقر می‌دهد، موجب پیشرفت زنان می‌گردد، محیط زیست در آن محافظت می‌گردد و فرصت‌های لازم برای اشتغال و دیگر وسایل معاش را خلق می‌کند (پورکاظمی، ۱۳۹۰).

بانک توسعه آسیایی^۳ (ADB) حکمرانی خوب را اینگونه تعریف می‌کند: "حکمرانی روشی است که دولت این روش را در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی برای توسعه به کار می‌برد. " سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۴ حکمرانی را چنین تعریف می‌کند: استفاده از اقتدار سیاسی و اعمال کنترل برای مدیریت منابع جامعه به منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی. این سازمان بر ویژگی‌هایی همچون پاسخگویی، اثربخشی دولت، کارایی، چارچوب قانونی مشخص و مسئولیت‌پذیری در تمام سطوح به عنوان مولفه‌های حکمرانی خوب تأکید دارد و بر این اساس، ملاک انتخاب شاخص‌های این پژوهش برای سنجش وضعیت حکمروایی خوب روستایی در روستاهای مورد مطالعه نیز شاخص‌های بانک جهانی و UNDP بوده است. این شاخص‌ها عبارتند از: مشارکت، قانونمندی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، عدالت و برابری، توافق جمعی، کارایی و اثربخشی). براساس تعاریف برنامه سازمان ملل متحد، حکمروایی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری است (اسفرم، ۱۳۹۳).

تعریف و مفهوم حکمروایی روستایی

در فرهنگ لغت آمریکایی واژه حکمروایی به عنوان فعالیت، شیوه عمل و یا قدرت حکم راندن دولت معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت زیردستان، نظامی از قوانین و مقررات، تعریف شده است (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۵). حکمروایی نه تنها با تشکیلات دولتی و رسمی و هم چنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسماً امور عمومی را اداره می‌کنند ارتباط می‌یابد، بلکه فعالیت‌های بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را نیز در برمی‌گیرد. حکمروایی، حاصل جمع روش‌های گوناگونی است که افراد، نهادها، بخش خصوصی و دولتی، امورمشترک خود را اداره می‌کنند. حکمروایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متعارض یا گوناگون می‌توانند باهم سازگار شوند و اقدام جمعی صورت گیرد حکمروایی خوب به مفهوم آن است که فرآیندها و موسسات، نتایجی را ارائه کنند که نیازهای جامعه را برآورده سازند و در کنار آن به بهترین شکل از منابع بهره‌برداری کنند.

^۱ Healthy Development Management

^۲ United Nations Development Program

^۳ Asian Development Bank

^۴ Oecd

مفهوم کارآمدی در حیطه حکمروایی خوب استفاده پایدار از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست را نیز در بر دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۱).

حکمروایی روستایی عبارت است از: فرایند تأثیرگذاری همه‌ی ارکان دخیل روستایی بر مدیریت روستایی، با تمام سازوکارهایی که با آن‌ها بتوان به سوی تعالی و پیشرفت روستا و مردم روستایی حرکت کرد. به عبارت دیگر، حکمروایی روستایی به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست‌های مردم روستایی، هم‌سو با خودشان است که در عین حال با منافع ملی، منطقه‌ای و محلی نیز سازگار است (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۵). واژه حکمروایی خوب روستایی برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی به کار گرفته شد حکمروایی خوب را می‌توان نفوذ هدایت شده در فرایندهای اجتماعی همراه با کنش دموکراتیک تعریف کرد که این مسأله به ویژه در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است حکمروایی رابطه‌ی بین جامعه‌مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان است به عبارتی حکمروایی خوب به ایجاد شرایط تعهدی و به طور مؤثر ترویج مشارکت، اجماع‌گرایی، پاسخ‌گویی، شفافیت و حاکمیت ارزش‌های قانون تعهد دارد (اسفرم، ۱۳۹۳). رهیافت حکمروایی خوب روستایی بر پایه اعتقاد به دموکراسی، کثرت‌گرایی و جامعه‌مدنی (نهادهای اجتماعات محلی، نهادهای غیرحکومتی، شوراهای محلی و مانند این‌ها) استوار است و در آن منافع ناشی از مداخله و همکاری نهادهای محلی و غیرانتفاعی با نهادهای رسمی مورد توجه و تأکید فزاینده قرار گرفته است. به همین دلیل حکمروایی خوب روستایی پیش‌شرطی برای توسعه پایدار روستایی برشمرده می‌شود، زیرا عدم تمرکز مدیریت منابع روستایی، مشارکت همگانی، شراکت بین دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی و محیطی قلمداد می‌گردند و این‌ها همگی خود مستلزم استقرار رهیافت حکمروایی خوب در مدیریت روستایی هستند، بنابراین رویکرد حکمروایی روستایی مبنایی مطلوب در روند توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سرزمینی و مدیریت نوین روستایی کشور می‌باشد (سنجرانی، ۱۳۹۶). در اینجاست که الگوی خوب روستایی می‌تواند با ارائه نقش خود نتایج ثمربخش و مفیدی را برای جامعه روستایی به همراه داشته باشد در الگوی حکمروایی خوب روستایی با تأکید بر اصول نه‌گانه آن می‌توان توسعه کالبدی مورد نظر را با مشارکت مردم و خواست همگانی جامعه روستایی به پیش برد سرانجام باید گفت در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی توسعه مناطق روستایی مانند هر نظام برنامه‌ریزی و مدیریتی در چارچوب نگرش توسعه پایدار، عناصر اولویت‌دار راهبردی نهادی را برای تحقق برنامه‌های راهبردی توسعه کالبدی از جمله تصمیم‌گیری یکپارچه، ظرفیت‌سازی، علم و دانش فنی بومی و جدید، آگاهی‌های عمومی و اطلاعات، حکمرانی و نقش جوامع مدنی و چهارچوب نهادی، مدیریت بحران و ریسک و مشارکت عمومی در دو سطح فرابخشی و بخشی مد نظر قرارداد (اسفرم، ۱۳۹۳).

رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی

حکمرمایی ریشه در چشم‌انداز مدیریت عمومی نو دارد که از اواخر دهه ۱۹۸۰ با پیشنهاد بانک جهانی و مرکز اسکان بشر سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی در ادبیات توسعه وارد شده است. در این رویکرد جدید مشارکت و کنش متقابل میان بازیگران اصلی از جمله جامعه‌ی مدنی، حکومت و بخش خصوصی در مدیریت مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت نهادهای غیررسمی و تقویت عرصه‌ی عمومی در اداره‌ی امور می‌تواند موجب سازگاری و اجماع بین منافع گوناگون و در نهایت توسعه پایدار می‌شود. حکمرمایی خوب از آنجا که موجبات شکوفایی قابلیت‌ها و توانمندسازی ساکنان را فراهم می‌کند به طور مستقیم با رفاه شهروندان در ارتباط است. هدف عمده‌ای که الگوی حکمرمایی در پی تحقق آن است، کاهش فاصله‌ی میان مردم و مدیران و افزایش نقش مردم در اداره‌ی امور مناطق خود و توسعه‌ی مردم‌سالارانه می‌باشد که تحقق این امر خود زمینه توسعه مناطق مستعد از نظر گردشگری را فراهم نموده و سبب مشارکت هرچه بیشتر مردم منطقه در طرح‌های توسعه‌ی گردشگری می‌گردد که این مسأله می‌تواند موجبات رشد و افزایش سطح رفاه عمومی جوامع روستایی را فراهم آورد (ارشدی و همکاران، ۱۳۹۵).

واژه توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است. در قالب نظریه‌های نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند. در تعریفی دیگر توسعه فرآیندی از تغییر و دگرگونی است که نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در زمینه سیستم اجتماعی، سازمان سیاسی و سرانجام ضوابطی که رفتارهای انسانی را در جامعه رهبری می‌کند نیز اثر می‌گذارد "پروکیله" توسعه را چنین می‌شناسد: فرآیند عامی که در این زمینه وجود دارد این است، که توسعه را بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر تقلیل فقر، بیکاری و کاهش نابرابری تعریف می‌کنیم (سنجرانی، ۱۳۹۶). توسعه روستایی به مفهوم توسعه همه جانبه عرصه‌های روستایی است که با دیدگاه بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستاها همراه می‌باشد.

توسعه روستایی مفهومی فراگیر و چند بعدی می‌باشد که شامل توسعه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن، حرفه‌ها، مشاغل و صنایع خانگی، زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی، خدمات اجتماع محلی و تسهیلات و نیز منابع انسانی در نواحی روستایی می‌گردد همچنین به عنوان جزیی از توسعه ملی و دارای مفهوم ارزشی و مکتبی با هدف کاهش فقر روستایی، رفع سوء تغذیه، تامین حداقل خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های شغلی، بهبود بهره‌وری و درآمد، افزایش تولید کشاورزی و مواد غذایی، افزایش خود اتکایی، تامین امنیت اجتماعی و انتقال منابع به مناطق روستایی مطرح گردید (سنجرانی، ۱۳۹۶). پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی‌کند. پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم و یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود (سنجرانی، ۱۳۹۶).

توسعه پایدار توسعه‌ای است که به نسل‌های آینده اجازه می‌دهد تا حداقل در سطح رفاه نسل کنونی زندگی کنند بنابراین برای پایداری توسعه، رفاه اقتصادی، توسعه اجتماعی و پایداری محیط زیست، هر سه به طور توأمان باید خطاب توجه قرار گیرند و نادیده گرفتن هر یک از این سه رکن می‌تواند دو رکن دیگر را به زوال بکشاند (عبدی، ۱۳۹۴).

The 9th National Congress on the Extension and Education for Sustainable Agriculture
Natural Resources and Environment

مفهوم توسعه پایدار تاکنون به شیوه‌های گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی به کار برده شده است اما محوری‌ترین تعریف مربوط به کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست بوده که در سال ۱۹۸۷ بیان شده است. بر اساس این تعریف، توسعه‌ای پایدار است که بتواند احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده سازی نیازمندی‌هایشان تأمین کند. توسعه پایدار بر سه اصل عمده استوار است:

۱- پایداری بوم شناختی: این اصل بر انجام توسعه با حفظ فرآیندهای اساسی زیست محیطی، تنوع گونه‌های زیستی و و حفاظت محیط زیست تأکید دارد.

۲- پایداری فرهنگی و اجتماعی: این اصل بر کنترل مردم بر سرنوشت خود در جریان توسعه تأکید دارد.

۳- پایداری اقتصادی: این اصل به استفاده بهینه از منابع و مدیریت مناسب آنها به نحوی که نسل‌های آینده هم دچار مشکل نشوند، تأکید دارد.

توسعه پایدار، نیازمند حکمرانی خوب است تا مشارکت مردم را در پی داشته باشد و از این طریق بتواند از سرمایه اجتماعی موجود در جامعه، برای به ثمر رساندن برنامه‌هایی که در این چارچوب تدوین می‌شوند، بهره‌گیرد (صدیقی، ۱۳۹۲). توسعه پایدار توسعه‌ای است که به نسل‌های آینده اجازه می‌دهد تا حداقل در سطح رفاه نسل کنونی زندگی کنند بنابراین برای پایداری توسعه، رفاه اقتصادی، توسعه اجتماعی و پایداری محیط زیست، هر سه به طور توأمان باید خطاب توجه قرار گیرند و نادیده گرفتن هر یک از این سه رکن می‌تواند دو رکن دیگر را به زوال بکشاند (عبدی، ۱۳۹۴). تحقق هدف‌های توسعه پایدار مستلزم مدیریت رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی است. حکمرانی خوب و توسعه پایدار دو جنبه کلیدی مشترک دارند: نخست اینکه هدف هر دو گسترش مشارکت عمومی است. هر دو محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن دولت‌ها، سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد بتوانند در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه، مشارکت فعال داشته باشند (صدیقی، ۱۳۹۲).

توسعه پایدار نوعی راهکار توسعه است که تمامی دارایی‌ها، منابع طبیعی و منابع انسانی از جمله دارایی‌های مادی و فیزیکی را برای افزایش درآمد رفاه و بهروزی تحت کنترل قرار می‌دهد. توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که از استانداردهای فعلی زندگی مبتنی بر تخلیه منابع تولید، شامل منابع طبیعی، حمایت کرده و برای نسل‌های آینده فقر و خطرات بسیاری را برجا می‌گذارد، رد می‌کند (عبدی، ۱۳۹۴). در حکمرانی خوب، بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، که سبب می‌شود از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری شود. ارتباط صحیح موجود بین سه رکن فوق زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد. توسعه‌ای پایدار چهار بعد اساسی دارد که تحقق آن منوط به همکاری نزدیک دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی است. این چهار بعد عبارتند از حمایت محیطی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه نهادی. بر اساس این چهاربعد، چهار رویکرد

در مدیریت توسعه پایدار قابل تفکیک است: رویکرد اقتصادی، رویکرد محیطی، رویکرد اجتماعی و رویکرد نهادی. تحقق هدف‌های توسعه پایدار مستلزم مدیریت رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی است.

حکمرانی خوب و توسعه‌ی پایدار دو جنبه کلیدی مشترک دارند: نخست اینکه هدف هر دو گسترش مشارکت عمومی است. هر دو محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن دولت‌ها، سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد بتوانند در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه، مشارکت فعال داشته باشند. دوم اینکه هر دو هم فرایندگرا و هم نتیجه‌گرا هستند. دستیابی به حکمرانی خوب و پایداری مستلزم وجود نظام برنامه‌ریزی و نظارت مستمر است در هر حال توافق جهانی بر این است که حکمرانی خوب با به کارگیری قوانین مشخصی موجب توسعه‌ی پایدار شود. امروزه حکمرانی خوب یا اداره مناسب امور حکومتی به عنوان یک مقوله پذیرفته شده در بحث توسعه‌ی پایدار مطرح می‌شود و نیاز به همکاری دولت با بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مردم در جهت توسعه کشور دارد بنابراین نیل به توسعه‌ی پایدار متضمن تغییر شکل شیوه اداره کشور، برنامه‌ریزی و اجرای آن و دستیابی به حکمرانی خوب است (صدیقی، ۱۳۹۲). از آنجا که هر یک از این سه نوع رژیم ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، هدف اصلی حکمرانی خوب افزایش، بالاترین کنش متقابل میان آن‌ها در جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف و به حداکثر رساندن نقاط قوت است. هر چه گفتگو و ارتباط این سه بخش بیشتر باشد، مسیر حرکت جامعه در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی هموارتر خواهد شد. هر چه که وابستگی، همبستگی و تعادل بین این سه بخش بیشتر شود، برای جامعه بهتر خواهد بود (ظاهری و همکاران، ۱۴۰۰).

۵-۱- نتیجه‌گیری

رهیافت حکمروایی خوب روستایی، رهیافت مدیریتی مبتنی بر جامعه محلی است که بر توانمندی جامعه محلی و نقش مستقیم و فعال آن‌ها در فرآیند توسعه پایدار با همکاری بخش دولتی و سازمان‌های غیر دولتی تأکید دارد، تحقیقات صاحب‌نظران و متخصصان توسعه روستایی طی چند دهه اخیر، این نکته را تأیید کرده است که حکمروایی خوب روستایی به عنوان اثر بخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت روستایی بوده که محوریت این رهیافت در مدیریت روستایی بر مبنای توسعه مردم سالار و برابر خواهانه برای تأثیرگذاری تمامی نیروهای دارای نفع و نفوذ در اداره امور روستاها و هم چنین پاسخگویی به تمام نیازهای این گروه‌ها است. آنچه در حکمروایی خوب روستایی مورد تأکید می‌باشد توجه به نیازها و خواسته‌های تمامی گروه‌های ذینفع روستایی است. به همین دلیل، زمانی حکمروایی خوب روستایی می‌تواند به سطح قابل قبولی از توسعه پایدار و تبدیل سرمایه‌های انسانی به سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه لازم برای فرایند توسعه مشارکت پذیر در محیط برسد که در توسعه توانمندی مردم روستایی سرمایه-گذاری کافی کرده باشد. چه این که بسط قابلیت‌های انسانی مردم سالار (حکمروایی خوب روستایی) را فراهم آورده و بر فرایندهای اجتماعی، بیش از فرآورده‌های اقتصادی تأکید نماید.

منابع

- ارشدی، ع، حیدری ساربان، و. و یاری حصار، ا. ۱۳۹۵. ارزیابی اثرات حکمروایی بر توسعه گردشگری روستایی (مطالعه موردی شهرستان نیر). جغرافیایی فضای گردشگری. ۷ (۲۵): ۳۳-۵۰.
- اسفرم، ی. ۱۳۹۳. نقش حکمروایی خوب روستایی در توسعه کالبدی مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی). پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- اسماعیلی، ع. ۱۳۹۱. بررسی منابع و محدودیت‌های تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان شهر تبریز پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- دانشی، م. ۱۳۹۴. ارزیابی وضعیت استقرار شاخص‌های حکمرانی خوب در شهرداری مشهد نمونه موردی حوزه برنامه‌ریزی و توسعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
- رحمانی‌فضلی، ع.ر.، صادقی، م. و علیپوریان، ج. ۱۳۹۴. بنیان‌های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین. مدیریت شهری. ۳۷: ۴۳-۵۴.
- رزمی، م. ج. و صدیقی، س. ۱۳۹۱. الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی، چهارمین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد خمینی شهر.
- رکن‌الدین افتخاری، ع. و عظیمی آملی، ج. و پورطاهری، م. و احمدی پور، ز. ۱۳۹۰. تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران. پژوهش‌های روستایی، ۲(۴۹): ۱-۳۴.
- زیاری، ک. و پوراحمد، ا. و حاتمی نژاد، ح. و باستین، ع. ۱۳۹۷. سنجش و ارزیابی اثرات حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهرها (مطالعه موردی: شهر بوشهر). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری ۹(۳۴): ۱-۱۸.
- سجاسی، ح. و سفرم، ی. و رهبری، م. ۱۳۹۶. تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب (مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی). دوره ۴، شماره ۳: ۴۲۶-۴۰۵.
- سلطانی، ا. و گودرزی، س. ۱۳۹۶. فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره: ۹۷-۷۹.

The 9th National Congress on the Extension and Education for Sustainable Agriculture
Natural Resources and Environment

- سنجرانی، ز، ۱۳۹۶. تحلیل میزان تحقق الگوی مناسب حکمروایی خوب در مدیریت روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان زهک). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زابل - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شاکری، ح، ۳۹۳. تاملی بر مولفه‌های حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه. اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی. اردبیل
- شریف‌زادگان، م.، و قانونی، ح. ۱۳۹۶. تحلیل رابطه حکمروایی خوب شهرها و کیفیت زندگی شهرها. رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۶۹): ۲۲۱-۱۸۵
- شکوهی، م. ا.، رهنما، م. ر.، گوهری قاسم پور، ن. ۱۳۹۳. مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شعری در کلان شهرهای ایران.
- صدیقی، س. ۱۳۹۲. بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه پایدار در کشورهای در معرض مخاطره نفرین منابع. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
- صمدی پور، ش.، احمدزاده، خ. و محمدی، اح. ۱۳۹۴. رابطه حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در بین کشورهای در حال توسعه. کنفرانس بین‌المللی جهت‌گیری‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز.
- ظاهری، م. و روستایی، ش. پورعنقا، ع. ۱۴۰۰. ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در شهر ماکو. مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی. ۲(۵): ۱۰۳-۹۵.
- عظیمی‌آملی، ج.، رکن‌الدین‌افتخاری، ع. ر.، پورطاهری، م. و احمدی پور، ز. ۱۳۹۰. تحلیل حکمروایی خوب در پایداری روستاها (مورد: روستاهای استان مازندران). پژوهش‌های روستایی. ۲(۴): ۳۲-۱.
- عبدی، س. ۱۳۹۴. اثر وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی و حکمرانی بر توسعه پایدار. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اقتصادی.
- غلامی، ا. ۱۳۹۳. بررسی موانع پیاده‌سازی حکمروایی خوب شهری در شهرهای ایران (مطالعه موردی شهر تربت حیدریه). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی.
- لطیفی ینگجه، س. ۱۳۹۴. بررسی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری (مورد مطالعه: کلان شهر کرج). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، رشته مدیریت اجرایی گرایش استراتژیک.
- معمارزاده، غ.، فرهادی محلی، ع. و سرافرازی، م. ۱۳۸۹. گردشگری و توسعه پایدار همایش منطقه‌ای صنعت توریسم. خمینی شهر.
- مؤمنی، ا.، جهانشیری، م. و عزمی، آ. ۱۳۹۹. اثرات حکمروایی خوب بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های پیراشهری در دهستان آدران. مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۲(۳): ۱۹۳-۲۰۵

- Barkin, D. ۲۰۰۰. Local Governance: A Model of Sustainable Rural Resource Management for the Third World, *Int. J. Agriculture Resources, Governance and Ecology*, ۱(۱): ۴۳-۵۵.
- Beer, A. ۲۰۱۴. Leadership and the Governance of Rural Communities, *Journal of Rural Studies*, ۳۴(۱): ۲۵۴-۲۶۲.
- Blair, H. ۲۰۰۰. Participation and Accountability at the Periphery: Democratic Local Governance in Six Countries, *World Development*, ۲۸ (۱): ۲۱-۳۹.
- Kam Susan, P. ۲۰۰۸. The Changing paradigm governance for Sustainable Development Defining the niche and role GIS. available at: <http://www.livelihoods.org-post/docs/turmedi.rtf>.
- Minogue, M. ۲۰۰۸. What Connects Regulatory Governance to Poverty? CRC University. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, (۴۸), ۱۸۹-۲۰۱.
- Morita, S. and Zaelke, D. ۲۰۰۷. *Rule of law good governance and sustainable development*. London, Routledge.
- Popovych, O. ۲۰۰۸. *Good Governance and Policy Addressing Poverty Alleviation in Ukraine*. MSc-Public Administration.
- Plumptre, T. and Graham, J. ۱۹۹۹. *Governance and Good Governance International and Aboriginal Perspectives*, Policy Brief. No. ۱۲, Institution on Governance, Ottawa, Canada: ۱-۲۷.
- Stark, N. ۲۰۱۰. *Effective Rural Governance*, Rural Policy Research Institute, U. S. A
- Sheng, K. ۲۰۱۰. *Good Governance in Southeast Asia, Environment and Urbanization ASIA*, ۱(۲): ۱۳۱-۱۴۷.
- Ward, N., Brown, David L. ۲۰۰۹. *Placing the Rural in Regional Development*, *Regional Studies*. ۴۳ (۱۰): ۱۲۳۷-۱۲۴۴.
- Woods, M. and Woods, M. ۲۰۰۵. *Rural Geography: Processes, Responses and Experiences in Rural Restructuring*. SAGE Publication Ltd. ۳۳۰ pages.
- UNDP. ۲۰۰۸. *A Users' Guide to Measuring Local Governance*. UNDP Oslo Governance Centre.
- UNDP (Urban Governance Index). ۲۰۰۲. *A Tool to Measure Progress in Achieving Good Urban Governance (Global Campaign on urban governance)*, available at: <http://www.unhabitat.org>

Approach to good governance and sustainable rural development

Abstract

Good governance is a concept that has appeared in the world management literature in recent decades and is considered as the boundary between government and civil society. In ۲۰۰۰, the leaders of the world countries accepted good governance as a strategy to reduce poverty and improve the quality of life in a resolution to present a new approach to deal with the phenomenon of poverty. Good governance can be achieved by having indicators such as popular participation of rural residents,



accountability, transparency, legality, responsibility and sociability, justice and equality. The present study emphasizes the necessity of restructuring the governance system in the age of globalization in order to benefit rural areas from the benefits of good governance and reduce its negative effects. In this study, the governance of Khab and the sustainable development of the village have been investigated. The research method of the present study is library-documentary. The rural good governance approach is a management approach based on the local community that emphasizes the capacity of the local community and their direct and active role in the process of sustainable development with the cooperation of the government sector and non-governmental organizations, the research of rural development experts and experts over several decades. The latter has confirmed the point that good rural governance is the most effective, least expensive and most sustainable way of applying rural management, and the focus of this approach in rural management is on the basis of democratic development and the desire to influence all the forces with It is beneficial and influential in the management of rural affairs, as well as responding to all the needs of these groups. What is emphasized in good rural governance is paying attention to the needs and demands of all rural interest groups. For this reason, once good rural governance can reach an acceptable level of sustainable development and the transformation of human capitals into social capitals can be the necessary basis for the development process of acceptable partnerships in the environment that invest in the development of rural people's capabilities. is enough What if it provides the expansion of human capabilities of the people (good rural governance) and emphasizes on social processes more than economic products.

Key words: sustainable development, good governance, poverty, village management, participation